

تفسیر سورہ

سجدہ



سیمای سوره‌ی سجده

این سوره، سی ایه دارد و در مکه نازل شده است. این سوره یکی از ۲۹ سوره‌ای است که با حروف مقطعه آغاز و پس از آن از قرآن تجلیل شده است. یکی از چهار سوره‌ای است که در آن آیه سجده‌ی واجب آمده است. طبق حدیثی که در مجمع البیان آمده رسول اکرم صلی الله علیه و آله هر شب قبل از خواب این سوره را با سوره‌ی مُلک تلاوت می‌فرمود. همانند دیگر سوره‌های مکی، در این سوره نیز مباحث گسترده‌ای در مورد مبدأ و معاد و سرانجام کافران آمده است تا موجب تقویت ایمان مؤمنان و پایداری آنان در برابر فشار دشمنان گردد. در آیه ۱۵، از رکوع و سجده به هنگام شب که مردم در خواب هستند، به عنوان ویژگی مؤمنان راستین یاد شده و قرائت این آیه نیز سجده واجب دارد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

﴿۱﴾ آلم ﴿۲﴾ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ

الف، لام، میم. نازل کردن این کتاب که شکّی در آن نیست، از سوی پروردگار جهانیان است.

نکته‌ها:

- در مورد حروف مقطعه، در آغاز سوره بقره به تفصیل سخن گفتیم، اما طبق بعضی روایات، حروف مقطعه از متشابهاتی است که علم آن مخصوص خدا و اولیای اوست.^(۱)
- سؤال: با توجه به شک و تردید و نسبت افترا و کذبی که مخالفان قرآن اظهار می‌داشتند و بعضی آیات نیز به آن اشاره می‌کند، چگونه این آیه می‌فرماید: «لا ریب فیهِ»؟
- پاسخ: آیه می‌فرماید: در حَقانیت قرآن و فرامین و معارف آن هیچ شک و شبهه‌ای راه ندارد، نه آنکه کسی در آن شک و تردید نکرده است. لذا در همان آیه ۲۳ سوره‌ی بقره می‌فرماید: ﴿و ان کنتم فی ریب مما نزلنا علی عبدنا فاتوا بسورة من مثله﴾ هر گاه در شک هستید، سوره‌ای مانند یکی از سوره‌های قرآن بیاورید. به قول نویسنده‌ی تفسیر فی ظلال القرآن: گل مصنوعی، گل طبیعی نمی‌شود، زیرا گل طبیعی به خودی خود گواه است که شکّی در طبیعی بودن آن نیست.

□ قرآن در اینکه از طرف خداوند است، بارها تأکید کرده، از جمله:

﴿تنزیل الكتاب... من رب العالمین﴾

۱. تفاسیر مجمع البیان و نورالثقلین.

﴿أَنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾^(١)

﴿تَنْزِيلُ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ﴾^(٢)

﴿تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ﴾^(٣)

﴿تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ﴾^(٤)

﴿تَنْزِيلُ مِنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾^(٥)

﴿تَنْزِيلُ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ﴾^(٦)

﴿تَنْزِيلًا مِّمَّنْ خَلَقَ الْأَرْضَ وَالسَّمَاوَاتِ الْعُلَى﴾^(٧)

آری، کسی قرآن را نازل کرد که تمام هستی از اوست، بر همه چیز سلطه دارد، عزیز، رحیم، حکیم، علیم و حمید است.

پیام‌ها:

١- قرآن در همان عصر نزول به صورت کتاب در آمده است. ﴿تَنْزِيلُ الْكِتَابِ﴾

٢- در حَقَانِیَّتِ قرآن شکی راه ندارد، زیرا از سوی پرودگار جهانیان است. ﴿لَارِيبَ

فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾

٣- ربوبیّت خداوند، مقتضی فرستادن کتابی متقن و خلل ناپذیر است. ﴿تَنْزِيلٌ... مِنْ

رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾

٤- کتاب تشریح، با نظام تکوین هماهنگ است. ﴿تَنْزِيلُ الْكِتَابِ... مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾

٥- نزول کتاب برای رشد و کمال است، آن هم رشد و تربیت همه‌ی هستی. ﴿رَبِّ

الْعَالَمِينَ﴾

١. شعراء، ١٩٢.

٢. یس، ٥.

٣. زمر، ١.

٤. غافر، ٢.

٥. فصلت، ٢.

٦. فصلت، ٤٢.

٧. طه، ٤.

﴿۳﴾ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَاهُمْ

مِّنْ نَّذِيرٍ مِّن قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ

آیا می‌گویند: (پیامبر) قرآن را به دروغ ساخته؟ بلکه آن همان حقّ منحصر بع فرد است که از طرف پروردگارت می‌باشد تا قومی را که قبل از تو هیچ هشدار دهنده‌ای برایشان نیامده بود بترسانی، تا شاید هدایت یابند.

نکته‌ها:

- «نذیر»، از «انذار» به ترساندن همراه با آگاهی گفته می‌شود، که همان هشدار است.
 - سؤال: با این که قرآن می‌فرماید: ﴿وإن من أمة إلا خلا فيها نذير﴾^(۱) هیچ امتی بدون پیامبر نبوده است، پس چگونه این آیه می‌فرماید: قبل از تو هیچ پیامبری برای مردم مکه نیامده بود؟
- پاسخ: تا قبل از اسلام، ساکنان جزیره العرب و مردم مکه متشکل نشده و به صورت امت در نیامده بودند و پراکنده و متفرق زندگی می‌کردند.

پیام‌ها:

- ۱- نقل شبهات دینی و سخنان باطل، برای ردّ آن مانعی ندارد. ﴿ام یقولون افتراه﴾
- ۲- تکذیب قرآن، شیوه‌ی دایمی کفار است. ﴿ام یقولون﴾ ولی شما حقّ را بگویید و از هدایتشان مأیوس نشوید. ﴿لعلهم یهدون﴾
- ۳- کفار، منطقی ندارند و از حربه‌ی تهمت استفاده می‌کنند. ﴿افتراه﴾
- ۴- در برابر تلاش مخالفان برای تضعیف حقّ، باید حقّ و پیروان حقّ را تقویت کرد. ﴿بل هو الحق﴾
- ۵- سرچشمه‌ی حقّ، خداست. ﴿الحق من ربك﴾
- ۶- خداوند به شخص رسول اکرم ﷺ عنایت خاص دارد. ﴿ربك﴾

۷- از اهداف اصلی بعثت انبیا، انداز مردم است. «لتنذر»
 ۸- آشنایی با گذشته‌ی مخاطبان، برای مبلغ لازم است. «لتنذر قوماً ما أتاها من نذیر
 من قبلك»

۹- انذار، برای هدایت است. «لتنذر - لعلهم یهدون»
 ۱۰- کتاب و پیامبر برای هدایت انسان کافی نیستند، این خود انسان است که باید
 زمینه و استعداد هدایت را در خود به وجود آورده و آن را انتخاب و اختیار
 کند. «لعلهم یهدون»

﴿ ۴ ﴾ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ
 أَسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ مَا لَكُمْ مِّن دُونِهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ
 أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ

خداوند کسی است که آسمان‌ها و زمین و آنچه را میان آن دو است، در
 شش روز آفرید، سپس بر عرش استیلا یافت؛ برای شما جز او هیچ یاور و
 شفاعت کننده‌ای نیست، آیا متذکر نمی‌شوید (و پند نمی‌گیرید؟)

نکته‌ها:

- در زبان عربی برای «روز» دو واژه به کار می‌رود: یکی «نهار» و یکی «یوم». اولی به معنای
 روز در مقابل شب است و دومی به مجموع روز و شب و دوره‌ای از شب‌ها و روزها نیز گفته
 می‌شود.
- با آنکه خداوند می‌توانست آسمان و زمین را در یک لحظه بیافریند، اما او اراده کرده است
 که آفرینش موجودات به شکل تدریجی صورت گیرد. این آیه می‌فرماید: آفرینش آسمان‌ها
 و زمین در طی شش دوره صورت گرفته است.

پیام‌ها:

۱- برای محو شرک، باید از قدرت لایزال الهی و آفرینش آسمان‌ها و زمین سخن

- گفت. ﴿خلق - استوی - ما لکم من دونه من ولی﴾
- ۲- آفرینش و مدیریت هستی، از یکدیگر جدا نیست. ﴿خلق - استوی﴾
- ۳- عرش، مرکز تدبیر و اداره جهان است. ﴿استوی علی العرش﴾
- ۴- یکی از راه‌های انذار این است که تکیه گاه‌ها و دلبستگی‌های مادی و غیر الهی، میان تهی و بی اثر معرفی شوند. ﴿لتنذر... ما لکم من دونه﴾
- ۵- یکی از راه‌های انذار، یادآوری نعمت‌هاست. ﴿خلق... افلا تتذکرون﴾
- این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود
- هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار
- ۶- انسان در فطرت خود حقایقی را می‌یابد، لکن باید با تذکر و یادآوری، او را غفلت زدایی نمود. ﴿تذکرون﴾

﴿۵﴾ **يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ
مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ**

(خداوند) امر (این جهان) را از آسمان به سوی زمین تدبیر می‌کند، سپس در روزی که مقدار آن هزار سال از سال‌هایی است که می‌شمیرید، (نظام این عالم برچیده می‌شود و) به سوی او بالا می‌رود.

نکته‌ها:

- سؤال: در آیه ۴ سوره‌ی معارج می‌خوانیم: ملائکه و روح در روزی که مقدار آن پنجاه هزار سال است، به سوی او عروج می‌کنند؛ این آیه می‌فرماید: مقدار آن روز، هزار سال است؟ پاسخ: الف: در حدیث می‌خوانیم: قیامت پنجاه موقف دارد و هر موقفی معادل هزار سال دنیوی است و آیه‌ی مورد بحث تنها به یک موقف اشاره دارد.^(۱)
- ب: این آیه، در مورد عروج امر است و آن آیه، عروج ملائکه را می‌گوید؛ شاید عروج امر در

۱. تفسیر نمونه.

روزی باشد که هزار سال است و قیامت نیست، ولی عروج فرشتگان در روز قیامت باشد که پنجاه هزار سال است.

پیام‌ها:

- ۱- مرکز مدیریت زمین آسمان است، برنامه‌ها از آن جا نازل می‌شود و به آن جا عروج می‌کند. ﴿یدبر الامر... یعرج الیه﴾
- ۲- توحید در ربوبیت، از توحید در خالقیت جدا نیست. ﴿خلق السموات و الارض - یدبر الامر﴾
- ۳- تدبیر الهی، دایمی است، نه مقطعی. ﴿یدبر الامر﴾
- ۴- همان گونه که در آفرینش، همه چیز از او و به سوی اوست، ﴿انا لله و انا الیه راجعون﴾ تدبیر امور نیز از او و به سوی اوست. ﴿من السماء - ثم یعرج﴾

﴿۶﴾ ذَلِكْ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ

اوست (خداوندی) که از پنهان و آشکار آگاه، (و) شکست‌ناپذیر و مهربان است.

﴿۷﴾ الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ

کسی که هر چه را آفرید نیکو آفرید، و آفرینش انسان را از گل آغاز کرد.

﴿۸﴾ ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِّنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ

سپس (بقای) نسل او را از عصاره‌ای از آب پست و بی‌مقدار مقرر فرمود.

﴿۹﴾ ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُّوحِهِ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَ

الْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ

سپس (اندام) او را موزون ساخت و از روح خویش در وی دمید، و برای شما گوش

و چشم‌ها و دل‌ها قرار داد، (ولی) اندکی از شما سپاس می‌گزارید.

نکته‌ها:

□ کلمه‌ی «سَوَّى» از «تسویه»، به معنای ایجاد تعادل و تناسب و دوری از هرگونه افراط و تفریط است.

□ حقایق جهان برای ما دو گونه است: پیدا و نا پیدا، اما نزد خدا چیزی غایب و پنهان نیست.

پیام‌ها:

۱- قوانین حاکم بر جهان، براساس علم بی‌پایان الهی است. ﴿یدبّر الامر... عالم الغیب والشهادة﴾ (آری، تدبیر و اداره هر مجموعه‌ای به آگاهی از آن نیاز دارد).

۲- علم الهی، نسبت به پیدا و پنهان یکسان است. ﴿عالم الغیب والشهادة﴾

۳- قدرت الهی با مهر همراه است. ﴿العزیز الرحیم﴾

۴- همه‌ی آفریده‌ها نیکوست. ﴿احسن کلّ شیء خلقه﴾ (حتّی زهر در بدن مار یک ارزش است، درست مثل آب دهان که در دهان انسان نعمت است، اما اگر خارج شود، به هر کجا بیفتد یک اهانت است).

۵- همه چیز آفریده‌ی خداست. ﴿کلّ شیء خلقه﴾

۶- ذکر جداگانه‌ی انسان، در کنار همه‌ی هستی، نشانه‌ی اهمیّت و ارزش ویژه‌ی انسان است. ﴿کلّ شیء خلقه - خلق الانسان﴾

۷- آنچه نطفه می‌شود، تنها یک سلول و اسپرم بیش نیست. ﴿سلالة من ماء﴾

۸- هنرمند، خداوند است که قطره‌ای آب ناچیز و پست، موجودی شریف و ارزشمند می‌سازد. ﴿خلق... من ماء مهین﴾

۹- آفرینش حضرت آدم با آفرینش بنی آدم متفاوت است. ﴿بدأ خلق الانسان من طین ثمّ جعل نسله من سلالة من ماء مهین﴾ (آفرینش حضرت آدم از خاک بود، ولی نسل او از نطفه و آب آفریده شدند).

۱۰- دریافت کمالات الهی، به آمادگی و تعادل نیاز دارد. (اول اندام موزون، سپس دمیده شدن روح الهی) ﴿ثمّ سوّاه و نفخ فیہ﴾

۱۱- از نشانه‌های شرافت انسان، دمیده شدن روح الهی در اوست. ﴿من روحه﴾

- ۱۲- آفرینش انسان اولیه تدریجی بوده است. «بدأ خلق الانسان... ثم سواه»
- ۱۳- وسعت دایره دید انسان بیش از گوش اوست. (انسان در یک لحظه نمی تواند دو صدا را مجزاً از هم بشنود، ولی می تواند چند چیز را با هم تماشا کند، به علاوه انسان از راه گوش تنها صدای اشیای و افراد را می شنود، ولی از راه چشم، موقعیت، رنگ، حجم، حرکت و سکون را می بیند.) «السمع» مفرد و «الابصار» جمع آمده است.
- ۱۴- در میان اعضای بدن، آنچه وسیله‌ی شناخت و معرفت است، مهم تر است. (لذا تنها نام گوش و چشم و دل برده شده است.) «السمع والابصار والافئده»
- ۱۵- توجه به دوران‌های پیدایش انسان، راهی به سوی خودشناسی و خداشناسی و شکرگزاری است. «قلیلاً ما تشكرون»
- ۱۶- انسان باید شکرگزار باشد، وگرنه سزاوار توبیخ است. «قلیلاً ما تشكرون»

﴿۱۰﴾ وَقَالُوا أَءِذَا ضَلَلْنَا فِي الْأَرْضِ أَأَنَّا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ بَلْ هُمْ بِلِقَاءِ

رَبِّهِمْ كَافِرُونَ

و گفتند: آیا همین که (پس از مرگ) در زمین (دفن و پوسیده و) گم شدیم، آیا آفرینش جدیدی خواهیم یافت؟ آری، آنان به ملاقات پروردگارشان کافرند.

نکته‌ها:

□ در آیه قبل خواندیم که خداوند وسیله‌ی درک و فهم (چشم، گوش و دل) را به شما داد و سپس گلایه کرد که شما کم شکر می‌کنید. این آیه یکی از نمونه‌های ناسپاسی را بیان می‌کند که انسان با دیدن این همه قدرت‌نمایی خداوند، بازهم در برپایی قیامت تردید کنند.

پیام‌ها:

۱- با نقل شبهات مخالفان و پاسخ قاطع به آنها، مؤمنان را بیمه و واکسینه کنیم.

﴿قالوا...﴾

۲- آنچه مورد تردید منکران قیامت قرار می‌گرفت، معاد جسمانی بود. ﴿ضَلَلْنَا فِي الْأَرْضِ...﴾

۳- شک و تردید خود را با دلایل روشن برطرف کنید و نگذارید به تخریب کشیده شود. ﴿إِذَا... بَلْ هُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ كَافِرُونَ﴾

۴- کفار نیز تحت تدبیر ربوبیت خداوند هستند. ﴿بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ كَافِرُونَ﴾

﴿۱۱﴾ قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَّلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ

بگو: فرشته‌ی مرگ که بر شما گمارده شده، جانتان را می‌گیرد، سپس به

سوی پروردگارتان برگردانده می‌شوید.

نکته‌ها:

□ کلمه‌ی «تَوَفَّى» به معنای باز پس گرفتن کامل چیزی است. با توجه به اینکه بدن مرده پس از مرگ در جای خود باقی می‌ماند، پس مراد از گرفتن به طور کامل، گرفتن روح است که حقیقت انسان است و که اگر رفت، انسان به طور کامل رفته است. بنابراین روح دارای اصالت و استقلال بوده و باقی است و در قیامت همین روح با ملحق شدن دوباره به جسم، برانگیخته خواهد شد.

□ قرآن درباره‌ی شیوه‌ی قبض روح، سه تعبیر دارد:

الف: در یک جا می‌فرماید: فرشتگان، جان و روح آدمی را می‌گیرند. ﴿تَتَوَفَّاهُم الْمَلَائِكَةُ﴾^(۱)

ب: در آیه‌ی مورد بحث، مأمور قبض روح را فرشته‌ای به نام ملک الموت معرفی کرده است.

ج: در آیه‌ی ۴۲ سوره زمر این کار را به خداوند نسبت می‌دهد. ﴿اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ﴾

در جمع این سه آیه شاید بتوان گفت: فرشتگان، روح را می‌گیرند و آن را به ملک الموت

تحویل می‌دهند و او به خدای متعال تحویل می‌دهد. چنانکه امام صادق علیه السلام در پاسخ این

سؤال که در اطراف جهان افراد زیادی در آن واحد می‌میرند، چگونه ملک الموت در یک

لحظه در همه جا حضور دارد؟ فرمودند: او یارانی از فرشتگان دارد که روح مردم را از اطراف می‌گیرند، سپس ملک الموت ارواح را از فرشتگان تحویل می‌گیرد.^(۱) شاید هم درجات مردم سبب تفاوت قبض روح آنان می‌شود به این معنا که مردم عادی را فرشتگان و مردم با تقوا را ملک الموت و اولیای خدا را خداوند قبض روح می‌کند.

پیام‌ها:

- ۱- شبهات را بدون پاسخ نگذارید. «قالوا... قل...»
- ۲- حقیقت انسان روح اوست، همین که روح قبض شد گویا انسان قبض شده است. «یتوقاکم»
- ۳- فرشتگان از انجام مأموریت، شانه خالی نمی‌کنند. «ملك الموت الّذی وُكِّلَ بکم»
- ۴- کار فرشتگان، طبق مأموریتی است که به آنان واگذار شده است. «وُكِّلَ بکم»
- ۵- مر انسان و دفن او، گامی برای زنده شدن اوست، همان گونه که دفن بذر گامی برای سبز شدن است. «ثم الی ربکم ترجعون»
- ۶- همان خدایی که جان‌ها را می‌گیرد، روزی با یک اراده، همه انسان‌ها را به سوی خود برمی‌گرداند. «ترجعون»

﴿۱۲﴾ وَلَوْ تَرَىٰ اِنَّ الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُوْا رُءُوْسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ رَبَّنَا
اُبْصِرْنَا وَاسْمِعْنَا فَاَرْجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا اِنَّا مُوقِنُونَ

و (چه صحنه‌ی دلخراشی است) اگر ببینی مجرمان را هنگامی که نزد پروردگارشان سرهای خود را به زیر افکنده (می‌گویند): پروردگارا! دیدیم و شنیدیم (آنچه را وعده کرده بودی)، پس ما را (به دنیا) بازگردان تا کار نیکو انجام دهیم، همانا ما به یقین رسیدیم.

۱. تفسیر نورالثقلین.

نکته‌ها:

□ گرچه در این آیه، مجرمان تقاضای بازگشت به دنیا و انجام عمل صالح دارند، اما چنانکه در آیه ۲۸ سوره‌ی انعام می‌خوانیم: آنها اگر به دنیا نیز برگردند باز تخلف می‌کنند. «وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَآتَهُم لِكَذِبُونَ»

پیام‌ها:

- ۱- سرکشی امروز مجرمان، سرافکندگی فردای قیامت را در پیش دارد، و این مایه‌ی تسلی پیامبر و مؤمنان است. «وَلَوْ تَرَىٰ»
- ۲- قیامت، روز سرافکندگی و شرمندگی مجرمان است. «الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُوا رُؤُسَهُمْ»
- ۳- روز قیامت، روز اقرار است. «رَبَّنَا ابْصِرْنَا وَ سَمِعْنَا»
- ۴- روز قیامت، روز کشف حقایق و باز شدن چشم‌ها و گوش‌ها است. (کسانی که چشم و گوش خود را بر دیدن و شنیدن حق بسته بودند، در آن روز می‌گویند: «ابْصِرْنَا وَ سَمِعْنَا»)
- ۵- آنچه در قیامت سبب نجات است، تنها عمل صالح است که جای آن دنیا است. «فَارْجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا»
- ۶- دلیل جرم و گناه، باور نداشتن قیامت است. (آن جا می‌گویند: «أَتَا مَوْقِنُونَ» ولی چه سود؟)

﴿۱۳﴾ وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدَاهَا وَلَكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ

و اگر می‌خواستیم هر کس را (به اجبار) به هدایت می‌رساندیم ولی (می‌خواهیم که هر کس خود راه خود را انتخاب کند). ولی (کافران بدانند که) اراده قطعی من چنین است که دوزخ را (از افراد بی‌ایمان و گنهکار) از جنّ و انس پر خواهم کرد.

پیام‌ها:

- ۱- کارهای الهی با مشیت و اراده اوست. ﴿وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا...﴾
- ۲- پذیرفتن هدایت، باید اختیاری باشد نه اجباری. ﴿وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا...﴾
- ۳- مردم متفاوتند و هر شخصی هدایتی مخصوص خود دارد. ﴿كُلُّ نَفْسٍ هُدَاهَا﴾
- ۴- رحمت گسترده‌ی الهی، مانع قهر او نیست. ﴿لَا مَلَأَنَّ﴾
- ۵- جنّ مانند انسان، مورد تکلیف و مهر و قهر الهی است. ﴿مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ﴾

﴿۱۴﴾ فَذُوقُوا بِمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا إِنَّا نَسِينَاكُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ
الْخُلْدِ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

پس به خاطر آن که ملاقات چنین روزی را فراموش کردید (عذاب را) بچشید، ما (نیز) شمارا به دست فراموشی سپردیم، و عذاب دائمی را بچشید، به خاطر آنچه انجام می‌دادید.

نکته‌ها:

- در دو آیه قبل، مجرمان تقاضای برگشت به دنیا را داشتند، شاید این آیه پاسخ ردّی به درخواست آنان باشد.
- نسبت فراموشی و نسیان به خداوند معنا ندارد، بنابراین، مراد از «نسیان» آن است که برخورد ما با شما فراموش کنندگان قیامت، برخورد کسی است که شما را به دست فراموشی سپرده است.

پیام‌ها:

- ۱- دلیل کیفر را به مجرمان تفهیم کنید. ﴿فذوقوا بما نسيتم﴾
- ۲- کیفرهای الهی، عادلانه و مماثل است. ﴿نسیتم - نسینا﴾
- ۳- یاد معاد، کلید نجات است و غفلت از آن، مایه‌ی گرفتاری است. ﴿بما نسیتم﴾
- ۴- سرچشمه‌ی اعمال فاسد، غفلت از معاد است. ﴿نسیتم - کنتم تعملون﴾

۵ - استمرار عمل بد، موجب استمرار در عذاب دوزخ است. ﴿عذاب الخلد بما كنتم تعملون﴾

۶ - هر یک از موضع‌گیری‌ها و عملکردها، کیفی متناسب با خود دارد. (تکرار «ذوقوا»، نشان آن است که فراموش کردن قیامت، عذابی دارد و عملکرد انسان، عذابی دیگر).

﴿۱۵﴾ إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ

تنها کسانی به آیات ما ایمان دارند که هرگاه این آیات به آنان یادآوری شود به شکل سجده رُخ بر خاک نهند و با ستایش پروردگارشان تسبیح گویند، و آنان تکبر نمی‌ورزند.

نکته‌ها:

□ در چهار سوره‌ی قرآن، به آیاتی می‌رسیم که واجب است هنگام تلاوت آنها سجده کنیم. این سوره‌ها عبارتند از: فصلت، نجم، علق و سجده که در اصطلاح به سوره‌های عزائم نامگذاری شده‌اند. طبق مکتب اهل بیت علیهم‌السلام، خواندن این چهار سوره در نماز بعد از حمد جایز نیست و کسانی که جنب یا حائض هستند نباید حتی یک آیه از این چهار سوره را تلاوت نمایند.

پیام‌ها:

۱ - سجده عاشقانه و تسبیح و ستایش خداوند، نشانه‌ی مؤمن است. ﴿أَمَّا يُؤْمِنُ﴾

۲ - قرآن در شیوه‌ی تبلیغ و ارشاد خود، در کنار ترسیم چهره‌ی مجرمان، نشانه‌های مؤمنان را نیز بیان می‌کند. ﴿الَّذِينَ إِذَا ذُكِرُوا خَرُّوا...﴾

۳ - تعلق نگرفتن هدایت خدا به گروهی از مردم، به خاطر تکبر خود آنهاست. ﴿لَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هَدَاهَا... أَمَّا يُؤْمِنُ... الَّذِينَ... هُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ﴾

۴- آیات الهی، با فطرت و خرد بشر هماهنگ است و تنها به تذکر نیاز دارد. ﴿اذا ذكروا...﴾

۵- سجده‌های مؤمنان، مخصوص هنگام نماز نیست. ﴿اذا ذكروا... خروا﴾

۶- در عبادت، هم زمان مطرح است، ﴿اذا﴾ هم زمینه، ﴿ذکروا﴾ هم عمل. ﴿خروا﴾

۷- سجده باید عاشقانه باشد. ﴿خروا سجدا﴾ گویا با تمام وجود به خاک می‌افتند.

۸- بهترین ذکر در حال سجده، تسبیح همراه با ستایش است. ﴿سجداً و سبحوا بحمد ربهم﴾

۹- سجده‌ای ارزش دارد که به دنبالش غرور و تکبر نباشد. ﴿خروا سجداً... و هم لا یتکبرون﴾

﴿۱۶﴾ تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَ
مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ

(مؤمنان، به هنگام شب، پهلوهایشان از بسترها دور می‌ماند (و) پروردگارش را از روی بیم و امید می‌خوانند، و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند.)

پیام‌ها:

۱- سحر خیزی و دل‌کندن از رختخواب، یکی دیگر از نشانه‌های مؤمنان است. ﴿تتجافی جنوبهم...﴾

۲- عبادت‌هایی که با نوعی ریاضت و خفا همراه باشد ارزش بیشتری دارد. ﴿تتجافی﴾

۳- مؤمن، نه مایوس است، نه مغرور، هم بیم دارد، هم امید. ﴿یدعون ربهم خوفاً و طمعا﴾

۴- تواضع، سحرخیزی و انفاق، خصلت دایمی مؤمنان است. ﴿لا یتکبرون - یدعون - ینفقون﴾ (همه با صیغه‌ی مضارع آمده است.)

۵- رابطه‌ی شبانه با خداوند، باید با رسیدگی به محرومان همراه باشد. ﴿یدعون -

ینفقون﴾

۶- مورد انفاق، تنها مال نیست، بلکه شامل علم و آبرو و دیگر سرمایه‌های انسان

نیز می‌شود. ﴿مَّا رَزَقْنَاهُمْ یَنْفِقُونَ﴾

﴿۱۷﴾ فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا
يَعْمَلُونَ

هیچ کس نمی‌داند چه پاداش مهمّی که مایه‌ی روشنی چشم‌هاست برای

آنان نهفته است، این پاداش کارهایی است که انجام می‌دادند.

نکته‌ها:

- قرآن در مورد میزان پاداش‌های الهی چند تعبیر دارد. یک جا ﴿ضِعْفٌ﴾^(۱) به معنای دو برابر، یک جا ﴿أَضْعَافٌ﴾^(۲) به معنای چند برابر یک جا ﴿عَشْرَ امثالها﴾^(۳) به معنای ده برابر و در جای دیگر تشبیه به دانه‌ای که هفت خوشه برآورد و در هر خوشه صد دانه باشد، یعنی هفتصد برابر؛^(۴) ولی این آیه فراتر از عدد و رقم را بازگو می‌کند و می‌فرماید: هیچ کس از پاداش این گروه از مؤمنان، که اهل نماز شب و انفاق هستند، آگاه نیست.
- امام صادق علیه السلام فرمود: ثواب هر کار نیکی در قرآن بیان شده است، مگر نماز شب؛ که جز خداوند کسی پاداش آن را نمی‌داند. سپس این آیه را تلاوت فرمود.^(۵)

پیام‌ها:

۱- سحرخیزی، نماز شب، کمک به محرومان، بالاترین پاداش‌ها را دارد. ﴿فلا تعلم

نفس﴾

۲- برخی پاداش‌های الهی، برای ما قابل درک نیست. ﴿فلا تعلم نفس﴾

۳. انعام، ۱۶۰.

۲. بقره، ۲۴۵.

۱. اعراف، ۳۸.

۵. تفاسیر مجمع‌البیان والمیزان.

۴. بقره، ۲۶۱.

- ۳- در شیوه‌ی تربیت، گاهی باید نوع و مقدار تشویق و پاداش مخفی باشد. ﴿ما أُخْفِ لَهُمْ﴾
- ۴- عبادت مخفی، پاداش‌های مخفی دار. ﴿تَتَجَافَى... أُخْفِ لَهُمْ﴾
- ۵- برای دریافت پاداش بی حساب، سختی سحرخیزی را بر خود هموار کنیم. ﴿تَتَجَافَى - أُخْفِ لَهُمْ﴾
- ۶- سعدیا گرچه سخندان و نصیحت گوئی؛ به عمل کار برآید به سخندانی نیست. ﴿بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾

﴿۱۸﴾ أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ

پس آیا کسی که مؤمن است مثل کسی است که فاسق است؟ (هرگز چنین نیست، این دو گروه) مساوی نیستند.

پیام‌ها:

- ۱- در بیان حق، با طرح سؤال، از وجدان مردم کمک بگیرید. ﴿افن کان...﴾
- ۲- شیوه‌ی مقایسه، یکی از بهترین شیوه‌های آموزشی است. ﴿افن کان... کمن کان﴾
- ۳- تنها کفار، مخالف مؤمنان نیستند، افراد فاسق نیز در جبهه‌ی مخالف قرار دارند. ﴿مؤمناً... فاسقاً﴾
- ۴- از مردم سؤال کنید، لکن نظر حق خود را نیز اعلام کنید. ﴿لا یستون﴾

﴿۱۹﴾ أَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَىٰ نُزُلًا

بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

اما کسانی که ایمان آورده و کارهای نیکو انجام داده‌اند، پس برای پذیرایی از آنها جایگاهی از باغ‌ها (ی بهشت فراهم) است، به خاطر آنچه انجام می‌دادند.

﴿۲۰﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ فَسَقُوا فَمَأْوَاهُمُ النَّارُ كُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا وَقِيلَ لَهُمْ ذُقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ

و اما کسانی که (از مدار ایمان خارج و) فاسق شدند، پس جایگاهشان آتش است، هر گاه اراده کنند که از آن بیرون آیند، در آن باز گردانده می شوند و به آنان گفته می شود: بچشید عذاب آتشی را که همواره تکذیبش می کردید.

نکته ها:

□ در آیه ۱۸ به طور سربسته فرمود: آیا مؤمن و فاسق یکسانند؟ در این آیات به تفصیل سرنوشت هر دو گروه را بیان می کند.

پیام ها:

- ۱- ایمان از عمل جدا نیست. ﴿امنوا و عملوا...﴾
- ۲- مؤمن باید تمام کارهایش پسندیده باشد. ﴿الصلحَات﴾
- ۳- باغ های بهشتی، برای پذیرایی از مؤمنان است. ﴿تُزَلَّاتُ﴾
- ۴- فاسق منکر قیامت همیشه در دوزخ خواهد ماند. ﴿كَلِمًا ارَادُوا... أُعِيدُوا﴾
- ۵- شکنجه ی جسمی دوزخیان، با تحقیر روحی آنان همراه است. ﴿أُعِيدُوا فِيهَا وَ قِيلَ لَهُمْ ذُقُوا﴾

﴿۲۱﴾ وَلَنذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَلَدِّ نِي دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

و البته ما غیر از آن عذاب بزرگتر (در قیامت) از عذاب نزدیک (در این دنیا) به آنان می چشانیم، تا شاید به سوی خدا باز گردند.

نکته ها:

□ عذاب دنیا، هم نزدیک است و هم کوچک. عذاب آخرت، هم دور است و هم بزرگ. طبق قاعده، باید در برابر کلمه ی «ادنی» کلمه ی «ابعد» به کار رود ولی نمی توان گفت: قهر خدا دور است، لذا به جای کلمه ی «ابعد» وصف «اکبر» آمده است؛ از طرف دیگر امکان داشت به

جای کلمه‌ی «ادنی» کلمه‌ی «اصغر» بیاید تا با کلمه‌ی «اکبر» مناسب باشد ولی نمی‌توان قهر خدا را کوچک شمرد، لذا در یک جا کلمه‌ی «ادنی» به کار رفته و در یک جا کلمه «اکبر». □ رسول خدا ﷺ فرمودند: مراد از «العذاب الادی» مصیبت‌ها، بیماری‌ها و رنج‌هایی است که انسان در دنیا به آن گرفتار می‌شود.^(۱)

پیام‌ها:

- ۱- یکی از سنت‌های الهی، گرفتار کردن گنهکار برای توبه است. ﴿وَلَنَذِقَنَّهُمْ... لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾
- ۲- در تربیت، همیشه و همه جا، محبت کارساز نیست، گاهی برخورد تند و قهر لازم است. ﴿العذاب الادی﴾
- ۳- عذاب آخرت از همه‌ی عذاب‌های دنیوی بزرگتر است. ﴿العذاب الاکبر﴾
- ۴- تلخی‌های دنیوی باید زنگ بیدار باش و زمینه‌ی توبه قرار گیرد. ﴿لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾ (راه بازگشت برای خلافکاران نیز باز است.)
- ۵- تلخی‌های دنیوی، با عدل الهی، منافاتی ندارد، زیرا بر اساس حکمت و برای اصلاح مردم است. ﴿وَلَنَذِقَنَّهُمْ... لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾
- ۶- در تربیت، احتمال تأثیر کافی است و یقین لازم نیست. ﴿لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾
- ۷- با چشیدن عذاب‌های دنیوی، بازهم بازگشت خلافکاران از گناهان خود اجباری نیست. ﴿لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾

﴿۲۲﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنْتَقِمُونَ

و کیست ستمکارتر از کسی که به آیات پروردگارش تذکر داده شود، ولی از آنها اعراض نماید؟ البتّه ما از تبهاران انتقام می‌گیریم.

۱. تفاسیر نورالثقلین و کنزالدقائق.

نکته‌ها:

□ در آیه ۱۵ خواندیم که هرگاه مؤمنان به آیت الهی تذکر داده شوند، بی درنگ به سجده می‌افتند؛ در برابر این گروه، کسانی هستند که این آیه می‌فرماید هنگام تذکر نسبت به آیات خداوند بی توجهی و اعراض می‌نمایند.

پیام‌ها:

- ۱- اعراض از تذکرات الهی، بالاترین ظلم به خود و جامعه است. ﴿و من اظلم﴾
- ۲- خداوند، مؤمن و غیر مؤمن را هر کدام به نحوی تذکر می‌دهد. ﴿ذُكِّرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ خَرُّوا سُجَّدًا﴾، ﴿ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ اعْرَضَ﴾
- ۳- بی‌اعتنایی گنهکار به تذکر، بدتر از گناه است. ﴿ذُكِّرُوا - اعْرَضَ - اظلم﴾
- ۴- رحمان و رحیم بودن خداوند، با قهر او منافاتی ندارد. ﴿أَنَا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنْتَقِمُونَ﴾
- ۵- اعراض از آیات الهی جرم است و مجرم در معرض انتقام الهی قرار دارد. ﴿مُنْتَقِمُونَ﴾
- ۶- تذکر و محبت کافی نیست، در مورد مجرمان، تنبیه و شدت عمل لازم است. ﴿مُنْتَقِمُونَ﴾

﴿۲۳﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَلَا تَكُنْ فِي مِرْيَةٍ مِّنْ لِّقَائِهِ وَ
جَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ

و همانا ما به موسی کتاب (آسمانی تورات) دادیم، پس در لقای او (با خدا) و دریافت آیات الهی) شک نداشته باش، ما آن (کتاب) را برای بنی‌اسرائیل مایه‌ی هدایت قرار دادیم.

نکته‌ها:

□ در اینکه مراد از جمله‌ی «فلا تکن فی مرية من لقائه» چیست، چند احتمال داده شده است، از جمله:

الف: در ملاقات حضرت موسی با خداوند و دریافت وحی شک نکن.
 ب: در لقای قرآن و وحی شک نکن. (که مؤید آیه ۳ این سوره است)
 ج: در لقای قیامت شک نکن. (که مؤید آیه ۱۰ و ۱۴ این سوره است)

پیام‌ها:

- ۱- رسالت پیامبر اسلام و نزول کتاب آسمانی، امر بی سابقه‌ای نبوده است. ﴿ولقد آتینا موسی الكتاب﴾
- ۲- آگاهی از تاریخ انبیا، مایه تسلی و اطمینان خاطر است. ﴿ولقد آتینا موسی... فلا تکن﴾
- ۳- درباره رهبر آسمانی، نباید هیچ گونه شک و تردیدی وجود داشته باشد. ﴿فلا تکن فی مرية﴾
- ۴- تورات، برای هدایت بنی اسرائیل بوده است، نه جهانیان. ﴿هدی لبني اسرائیل﴾

﴿۲۴﴾ وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ

و از میان بنی اسرائیل پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما (مردم را) هدایت کنند؛ چون آنان، هم صبر کردند و هم به آیات ما یقین داشتند.

پیام‌ها:

- ۱- تعیین رهبری، از حقوق الهی است. ﴿جعلنا... ائمة﴾
- ۲- محتوا، شیوه و محدوده‌ی هدایت را خداوند تعیین می‌کند. ﴿یهدون بامرنا﴾ (به انتخاب خداوند، نه به انتخاب مردم)^(۱)
- ۳- یقین و صبر، دو شرط لازم برای رهبری است. (رهبر باید به هدف یقین داشته باشد و تا آخرین مرحله مقاومت کند). ﴿صبروا... یوقنون﴾

۱. تفسیر نورالثقلین.

﴿۲۵﴾ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

همانا پروردگار تو میان مردم در قیامت در آنچه اختلاف داشتند داوری خواهد کرد.

نکته‌ها:

□ در آیه‌ی قبل خواندیم که خداوند افراد لایق را رهبر و امام قرار می‌دهد. در این آیه می‌خوانیم: خداوند اختلافات مردم را در قیامت فیصله خواهد داد. شاید مراد از اختلاف، اختلاف در مسأله‌ی رهبری باشد و این که چرا با رهبران تعیین شده‌ی الهی لجاجت و مجادله کردند تا خداوند در قیامت به حسابشان برسد و این نوعی تهدید برای کسانی است که در برابر رهبران تعیین شده از طرف خداوند پرچم مخالفت بلند کردند.

پیام‌ها:

- ۱- فیصله دادن به اختلافات، از شئون ربوبی در قیامت است. ﴿رَبُّكَ هُوَ يَفْصِلُ﴾
- ۲- تمام اختلافات، در قیامت فیصله خواهد یافت. ﴿يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾
- ۳- اختلافات دینی در دنیا حل نشدنی است. ﴿يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾
- ۴- انسان‌ها در طول تاریخ، همواره اختلاف داشته‌اند. ﴿كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ﴾
- ۵- رهبران دینی هرگز نسبت به کار خود و هدایت مردم دلسرد نشوند، زیرا اختلافات همیشه بوده است. ﴿فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ﴾

﴿۲۶﴾ أَوْلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِّنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاجِدِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ أَفَلَا يَسْمَعُونَ

آیا برایشان روشن نشده که ما قبیله‌های بسیاری را قبل از ایشان هلاک کردیم؟ با این که این‌ها در خانه‌های آن هلاک شدگان رفت و آمد دارند؛ البته در این (هلاکت‌ها و جایگزین شدن‌ها، عبرت‌ها و) نشانه‌هایی است، آیا نمی‌شنوند؟

نکته‌ها:

- «قرون» جمع «قرن» به معنای قوم و ملّتی است که در یک زمان زندگی می‌کرده‌اند.
- در این آیه که مسأله‌ی هلاکت اقوام پیشین بیان شده و به تاریخ مربوط است باید پیام آن را با شنیدن دریافت کرد، لذا در پایان آیه می‌خوانیم: «أفلا یسمعون» ولی در آیه‌ی بعد که سخن از سبز شدن زمین‌های بی‌گیاه است، پیام آیه را با دیدن دریافت می‌کنیم، لذا در پایان آیه می‌خوانیم: «أفلا یبصرون»

پیام‌ها:

- ۱- مردم مکه از انقراض اقوام پیشین آگاه بودند و آثار به جای مانده از آنان در گذرگاه آنان بود، ولی عبرت نمی‌گرفتند. ﴿أولم یهد لهم﴾
- ۲- تحولات تاریخ، قانون‌مند است. (هلاکت اقوام پیشین از یک سو و سفارش به عبرت گرفتن دیگران از سوی دیگر، نشان دهنده‌ی آن است که حوادث تاریخی، تصادفی نیست، بلکه رمز و رازی دارد که باید به آن پی برد. ﴿أولم یهد لهم﴾
- ۳- سقوط قبایل سرکش، از بهترین مایه‌های هدایت آیندگان است. ﴿أولم یهد لهم کم اهلکنا من قبلهم﴾
- ۴- قبایل سرکش و هلاک شده در تاریخ بسیارند. ﴿کم اهلکنا... من القرون﴾
- ۵- بازدید از آثار باستانی و آثار به جا مانده از اقوام پیشین مورد سفارش اسلام است، اما به شرط آنکه همراه پند و عبرت باشد، نه از روی غفلت. ﴿أولم یهد لهم - میثون فی مساکنهم﴾
- ۶- بهترین صحنه‌های عبرت‌آموز، آن جاست که خود انسان حضور دارد. ﴿میثون فی مساکنهم﴾
- ۷- حفظ آثار باستانی نیاکان، برای عبرت آیندگان لازم است. ﴿مساکنهم﴾
- ۸- عوامل عزّت و ذلّت اقوام گذشته را بررسی کنید و از آن درس عبرت بگیرید. ﴿انّ فی ذلک لعبرة﴾

- ۹- سقوط ملت‌ها و تمدن‌ها، جلوه‌ای از آیات الهی است. ﴿انّ ذلك لآیات...﴾
 ۱۰- اگر گوش شنوا باشد، خرابه‌های خاموش نیز برای ما پیام دارند. ﴿أفلا یسمعون﴾

﴿۲۷﴾ **أَوْلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا
تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَأَنْفُسُهُمْ أَفَلَا يُبْصِرُونَ**

آیا ندیدند که ما آب را به سوی زمین بی گیاه می‌رانیم، پس به وسیله‌ی آن گیاهان را می‌رویانیم تا چهار پایانشان و خودشان از آن بخورند؟ پس آیا نمی‌بینند؟

نکته‌ها:

- کلمه‌ی «جُرُز» به زمین کویری گفته می‌شود که ریشه‌ی گیاه در آن قطع شده باشد.^(۱)
- در آیه‌ی قبل، هلاکت سرکشان نشانه‌ی قدرت الهی شمرده شد و در این آیه آبادی زمین.

پیام‌ها:

- ۱- شیوه‌ی تربیتی قرآن آن است که از تحولات طبیعی برای هدایت مردم استفاده می‌کند. ﴿أولم یروا...﴾
- ۲- حرکت ابرهای پر آب و بارش باران در مناطق دور از دریا تصادفی نیست، بلکه با اراده‌ی حکیمانه‌ی خداوند است. ﴿انّا نسوق الماء﴾
- ۳- زمین با آب حاصلخیز می‌شود ﴿فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا﴾ اما برخی دل‌ها با آن همه آیات عبرت‌آموز حاصلخیز نمی‌شود! ﴿أولم یمهد لهم﴾
- ۴- در بهره‌گیری مادّی، حیوانات بر انسان‌ها مقدّمند. ﴿انعامهم و انفسهم﴾ (حیوانات بیشتر می‌خورند، راحت‌تر می‌خورند، پختن و شستن و پوست‌کندن نیز ندارند!)

۱. مفردات راغب.

- ۵ - اگر انسان بصیرت نداشته باشد، چه بهتر که نامش بعد از چهار پایان برده شود. «انعامهم و انفسهم أفلا يبصرون»
 ۶ - از نظام بارش باران و رویش گیاهان، ساده نگذرید. «أفلا يبصرون»

﴿ ۲۸ ﴾ وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْفَتْحُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

و کفار می پرسند: اگر راست می گوئید، این پیروزی (شما) چه زمانی است؟

﴿ ۲۹ ﴾ قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيْمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ

بگو: (بدانید که در) روز پیروزی، ایمان آوردن کسانی که کفر ورزیدند به حالشان سودی نخواهد داشت، و به آنان مهلت داده نخواهد شد.

﴿ ۳۰ ﴾ فَأَعْرَضَ عَنْهُمْ وَاَنْتَظِرُ إِنَّهُمْ مُنْتَظِرُونَ

پس، از آنان دوری کن و منتظر باش، که آنان نیز منتظرند.

نکته‌ها:

- خداوند در آیات قبل فرمود: ما از مجرمان انتقام می گیریم و آنان را به کیفر می رسانیم. کفار به عنوان استهزا می پرسند: روز پیروزی شما مؤمنان و انتقام از ما چه روزی است؟ خداوند به این عمل و سخن آنان نیز پاسخ می دهد.

پیام‌ها:

- ۱- به گفته‌های مخالفان دیگران پاسخ دهیم. «يقولون... قل»
- ۲- ایمان، در لحظه‌ی اضطرار سودی ندارد. «لا ينفع... ایمانهم»
- ۳- گرچه مهلت دادن، از سنت‌های الهی است، «امهلهم رویدا»^(۱) لکن آن هم حدّ و مرزی دارد. «و لا هم ينظرون»

۴- بعد از استدلال و هشدار، آخرین مرحله، اعراض از منحرفان است. ﴿فاعرض

عنهم﴾

۵- گذر زمان، مسایل و اختلافات میان پیروان حق و باطل را روشن می‌کند.

﴿وانتظر﴾

۶- رهبر باید به آینده خوش بین و دلگرم باشد. ﴿وانتظر﴾

۷- کفار همواره در انتظار شکست مسلمانان می‌باشند. ﴿انهم منتظرون﴾

«والحمد لله رب العالمین»